

بغض کردگوی در سوگ مصدق

محیطبان یحیی مرادی: اگر آن روز در کنار آقای مصدق محیطبان دیگری بود این اتفاق نمی افتاد. همیار او اجازه حمل سلاح نداشت

تهدید «شلاق دمایی»

جهان در سال‌های اخیر شاهد پدیده‌های نگران‌کننده بوده است که دانشمندان آن را «شلاق دمایی» می‌نامند: تغییرات ناگهانی و شدید دما که در بازه‌های زمانی کوتاه از گرمای طاقت‌فرسا به سرمای سوزان یا برعکس جابه‌جا می‌شود.

«علی اکبر ولایتی» در نامه‌ای به پزشک‌های خواستار مساعدت برای ساخت بنای یادبود دانشمندان اهل شهری با هدف تقویت فرهنگ ایران شد

مدعیان بلا تکلیف آرامگاه «رازی»



گزارش میدانی «پیام ما» از ردیابی مفقودان فاجعه بندر شهیدرجایی

زخم انفجار برتن کارگران بلوچ

تحقیقات «پیام ما» نشان می‌دهد کارگران بلوچ بسیاری در بندر فعالیت می‌کنند که اکثرشان کارگر روزمزد و ساعتی هستند. آنها مزد ثابت ندارند. نامشان هیچ کجا ثبت نمی‌شود. اگر پیمانکاران هم گزارش بدهند برای خودشان دردمر می‌شود. بعید است حتی خانواده‌هایشان بدانند آنها کجا هستند و چه شرایطی دارند. آیا آنها از فهرست مفقودین جا مانده‌اند؛ به‌علت اینکه کسی مشخصات آنها را اعلام نمی‌کند؟

وداع با «علی یخکشی»

از بنیانگذاران رشته محیط‌زیست در ایران

زیستن برای زمین

برخی اهالی خراسان رضوی پنجشنبه گذشته را در شوک زلزله ۵ ریشتری سبزی کردند

زنگ هشدار زلزله زشتخوار برای مسکن روستایی

یادداشت

عبور از ناترازی فناوری



محمدنبی شهبازی

معاون فناوری و نوآوری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فاجعه بندر رجایی و آسیب به مراکز اقامتی و هتل‌ها

تخریب هفتاد درصدی دو مرکز اقامتی

ایپام ما | امروز درست یک هفته گذشت از روزی که انفجاری مهیب داستان پویایی و رفت‌وآمدها را در بندرعباس تغییر داد. اسکله شهیدرجایی حالا دیگر نه با آن کانتینرهای رنگ‌بهرنگ و آدم‌هایی که لابلای آن تردد دارند، که با دود و سیاهی و ویرانی در قلاب تصاویر جا می‌گیرد. سیاهی و غمی که هنوز علت آن مشخص نشده و معلوم نیست کی و چه کسی قرار است درباره آن توضیح دهد. با اینهمه، در حادثه تلخ این اسکله، در کنار تمام فاجعه‌هایی که ایران را داغدار کرد، مراکز اقامتی هم آسیب دیدند و میهمانانشان راهی مراکز درمانی شدند. رئیس جامعه هتلداران هرمزگان این اطمینان را می‌دهد که مسافران مراکز اقامتی تنها آسیب‌های جسمی خفیفی داشتند که همان روز اول به آنها رسیدگی شد.

محمد محسنی قلعه‌قاضی، مدیرکل میراث‌فرهنگی هرمزگان، درباره خسارات وارده به مراکز اقامتی این محدوده به «پیام ما» گفت: «باید بررسی دقیقی انجام شود؛ نیروی انسانی و زیرساخت‌ها باید برآورد شود. کارشناسان اداره کل بازدید اولیه داشتند، اما چون درگیر خود حادثه هستیم، گفتیم چند روزی صبر کنیم و بعد اقدامات لازم را انجام دهیم. هتل پنج‌ستاره خلیج فارس، یک هتل چهارستاره با مهمانسرای بندر شهیدرجایی و هتل حادثه آسیب دیده‌اند. هتل خلیج فارس نیاز به کارهای جزئی داشت که برطرف شد و در حال خدمات‌رسانی است؛ اما باشگاه ملوانان و هتل چهارستاره، تخریبشان گسترده‌تر بود و نیاز به اقدامات جدی‌تر دارند.»

«مجید میرزاسامعی»، رئیس جامعه هتلداران استان هرمزگان، درباره میزان خسارات وارده به این مراکز در گفت‌وگو با «پیام ما» گفته: «در حادثه ناگوار انفجار در اسکله بندر شهیدرجایی بندرعباس، متوجه شدیم برخی واحدهای تحت‌پوشش جامعه هتلداران با مشکل مواجه شده‌اند و آسیب‌هایی را متحمل شده‌اند. در این بین، به سه واحد اقامتی خسارت قابل‌توجهی وارد شده است. هتل پنج‌ستاره خلیج فارس در منطقه ویژه منابع و معادن اقتصادی قرار گرفته و نزدیک اسکله‌ای است که انفجار در آن رخ داد. در زمان حادثه ۳۵ درصد ضریب اشغال داشته، این هتل ۱۵۶ اتاق دارد؛ که حدود ۵۰ اتاق آن آسیب دیده است. شیشه‌های لابی و واحدها کاملاً تخریب شده‌اند، ریزش نمای ساختمان هم اتفاق افتاده و سقف لابی هتل و پذیرش نیز



یادداشت

عبور از ناترازی فناوری

محمد نبی شهبازی

معاون فناوری و نوآوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تقویت زیرساخت‌های توسعه نمونه اولیه، از جمله فیلدها، یکی دیگر از ضرورت‌هاست. بسیاری از ایده‌های نوآورانه در ایران به دلیل فقدان امکانات اولیه یا هزینه بالای آزمایش و توسعه، پیش از رسیدن به مرحله تولید متوقف می‌شوند. ایجاد شبکه فیلدهای ملی و تجهیز پارک‌های علم و فناوری به این زیرساخت‌ها، می‌تواند فضای آزمون و خطا را برای نوآوری‌های جوان فراهم کند. در نهایت، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوظهور بدون طراحی مشوق‌های مالیاتی و غیرمالیاتی مؤثر امکان‌پذیر نیست. تجربه جهانی نشان داده است پروژه‌های هایتک نیازمند حمایت‌های ویژه برای کاهش ریسک و افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری هستند. ظرفیت‌های قانونی موجود مانند مواد ۱۱ و ۱۳ قانون چشم‌تولید دانش‌بنیان می‌تواند در این زمینه تحول‌آفرین باشند، اگر ابهامات آیین‌نامه‌های آنها برطرف و مسیر اجرا تسهیل شود. پارک‌های علم و فناوری در این منظومه، نقشی کلیدی دارند. این نهادها می‌توانند با برخورداری از مزیت‌های قانونی، زیرساختی و انسانی، به کانونی برای رفع ناترازی فناوری و اتصال صنعت، دانشگاه و بازار تبدیل شوند. اگر سرمایه‌گذاری هدفمند در این پارک‌ها انجام گیرد، خوشه‌های R&D و کسب‌وکارهای هایتک در دل آنها شکل می‌گیرد و موتور محرک اقتصاد نوآوری در کشور به حرکت درمی‌آید.

تولید و ارزش‌افزایی در چند کشور تقسیم می‌شود. برای قرار گرفتن در این زنجیره‌ها، صنایع دانش‌بنیان کشور باید با رعایت استانداردهای بین‌المللی و تعریف مزیت‌های رقابتی مشخص، به‌سخت همکاری‌های منطقه‌ای، خوشه‌های صنعتی فرامرزی و انتقال فناوری حرکت کنند. در همین مسیر، تسهیل انتقال فناوری از مسیرهای گوناگون مانند سرمایه‌گذاری مشترک، خرید دانش فنی و حضور در پروژه‌های بین‌المللی باید با ایجاد نهادهای تسهیلگر و سازوکارهای حقوقی شفاف دنبال شود. همچنین، شکل‌گیری هاب‌های فناوری، اجرای مگا پروژه‌های فناورانه و تولد اسپین‌آف‌ها در دل این پروژه‌ها، راهکاری اثبات‌شده در بسیاری از کشورهای پیشرو در توسعه فناوری بوده است. تحول بنیادین دیگر، فعال‌سازی جدی و هدفمند واحدهای تحقیق و توسعه در کشور است. در ایران، سهم R&D (تحقیق و توسعه) از تولید ناخالص داخلی هنوز بسیار پایین است، درحالی‌که در کشورهای صنعتی این شاخص به‌طور میانگین بین سه تا پنج درصد است. بدون ارتقای نقش تحقیق و توسعه به ابزار سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی صنعتی، امکان گذار به اقتصاد دانش‌بنیان وجود ندارد. تغییر مأموریت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از این مسیر است. مراکز آموزش عالی باید فراتر از آموزش نظری، در پروژه‌های واقعی صنعتی و علمی درگیر شوند و با الگوبرداری از نمونه‌های جهانی، به نهادهایی مأموریت‌گرا تبدیل شوند. این موضوع در کنار اصلاح نظام آموزشی و طراحی مسیرهای مهارتی برای تربیت نیروی انسانی فناور، نیروی پیشران تحولات آینده را شکل می‌دهد.

در عصر فناوری و نوآوری، مسیر توسعه اقتصادی کشورها دیگر از مصرف منابع حیاتی نمی‌گذرد؛ بلکه از توانمندی‌های انسانی، زیرساخت‌های علمی و قدرت پیوند دادن آموزش، پژوهش و صنعت عبور می‌کند. ایران برای عبور از اقتصاد منابع‌محور به اقتصاد دانش‌محور نیازمند تحولات ساختاری در نظام آموزش عالی، تقویت زیرساخت‌های فناوری و افزایش سرمایه‌گذاری هدفمند در تحقیق و توسعه است. اگر تحولات به‌صورت هم‌زمان و برنامه‌ریزی‌شده انجام نشوند، چشم‌انداز توسعه فناورانه کشور را در حال‌های از ابهام باقی می‌ماند. واقعیت این است که با وجود سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه نوآوری، ایران هنوز در زنجیره جهانی تولید و صادرات محصولات با فناوری پیشرفته جایگاه قابل‌قبولی ندارد. آمارها نشان می‌دهد تنها نیم درصد از صادرات صنعتی ایران را محصولات هایتک تشکیل می‌دهد و بیش از نیمی از صادرات صنعتی کشور به خام‌فروشی و نیمه‌خام‌فروشی اختصاص دارد. این ناترازی فناورانه، علاوه‌بر تخریب منابع پایه و منابع طبیعی کشور، مانعی جدی در برابر رشد اقتصادی پایدار است و تنها با اصلاحات چندلایه قابل‌جبران خواهد بود. مصرف ایران با دست‌اندازی به منابع طبیعی و محیط‌زیست رخداد خطرناکی است که باید با سیاست‌گذاری فناوری‌محور و به‌طور کلی با رویکرد دانش و توسعه علم از طریق توسعه فناوری جبران شود. یکی از این لایه‌ها، قرار گرفتن در زنجیره‌های ارزش جهانی است؛ جایی که سهم عمده‌ای از تجارت بین‌المللی در قالب زنجیره‌هایی انجام می‌شود که مراحل مختلف

«انا لله و انا الیه راجعون»

جناب آقای علی ملازاده همکار گرامی

با نهایت تأثر و تأسف، درگذشت پدر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم. از خداوند مَنان برای آن مرحوم رحمت و مغفرت، و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

از طرف همکاران شما در روزنامه پیام ما

گزارش میدانی «پیام ما» از مراسم ختم محیطبان پارک ملی گلستان

بغض کردکوی در سوگ مصدق



بچه

و

یک

«خدا خانه‌ات را خراب کند شکارچی!» زن دست‌هایش را بالا گرفته بود، سرش رو به پایین، صدایش جمعیت انبوه اطراف گورا را یکی

یکی کنار زد و پخش شد در اندک فضای خالی! از آنجا فرصتی یافت و رو به بالا رفت تا رسید به سقف بخش شهدای گورستان کردکوی.

راه نبود، پایین افتاد و سر خورد توی گوش جمع بزرگ سوگواران!

همان وقت که در بندربعاس مردم برای گرفتن ردی از عزیزان گمشده‌شان در راه پزشکی قانونی و بیمارستان‌ها در هرو له بودند، ادارات و سازمان‌ها جلسه‌های فوری و نیمه‌فوری می‌گذاشتند تا چاره‌ای برای فاجعه بندر بیابند، اهالی سیاست از مذاکره می‌گفتند و سیمای ملی رد سیاه عزاداری را از صفحه برداشته بود، در کردکوی مردم سوگوار محیطبان شهیدشان بودند؛ یاسر (کاظم) مصدق.

بی‌اختیار اشک می‌ریختند. مداح دوباره خواست مویه را تمام کنند. زن سکوت کرد.

در کردکوی مانند سایر مناطق در مازندران رسم «گلو به گلی» یا «گلو به گلو» در مراسم‌های عزاداری رواج دارد؛ مویه‌ای از گلوئی زنی بیرون می‌آید و به گلوئی دیگری می‌نشیند. در این مراسم آنها از مصدق جوان اردست‌رفته، گفتند و از بردارزشش که او هم در جوانی از دست رفته بود. عکس‌ها را بالا می‌گرفتند و می‌چرخاندند تا همه ببینند خانواده دچار چه صیبتی است.

لک‌ نه نیرو داریم، نه امکانات

«دم‌جای غروب بود، در پاسگاه محیطبانی میرزایابلو بودم که آقای سعیدی، مسئول محیطبانی پاسگاه لهنرد که کوپلر زیرمجموعه آن است، گفت آقای مصدق در منطقه کوپلر درگیر شده و برای کمک بیایید.» «مظاهر کوردویین»، معاون پارک ملی گلستان، سرش را پایین انداخته، گاهی سر بالا می‌آورد و به دیوار خیره می‌شود یا با چشم‌های نگران‌ش به این طرف و آن طرف نگاهی می‌اندازد، در تمام مدتی که از آن بعدازظهر تلخ حرف می‌زند با انگشت‌هایش بازی می‌کند تا بتواند به سخن گفتن ادامه دهد؛ لفظ‌هایی بغض می‌کند و چشم‌هایش خیره می‌شود به قاب دیوار، بدون آنکه تصویر را ببیند «حرکت کردم تا بچه‌های پاسگاه سولگرد را بگیرم و خودمان را به کوپلر برسانیم. فکر نمی‌کردم درگیری توأم با تیراندازی باشد. تصور این بود در این فصل که دنبلا‌ن‌چیرها (قارچ ترافل‌چیرها) می‌آیند. درگیری با آنها اتفاق افتاده. متأسفانه در سولگرد کسی نبود و بچه‌ها برای گشت منطقه رفته بودند و موفق نشده‌ام با آنها ارتباط بگیریم. در مسیر فرقاشلی به بچه‌های قوش چشمه که در ضلع غربی پارک و

هم‌مرز با منطقه کوپلر هستند، اطلاع دادم برای کمک بیایید. به فرقاشلی که رسیدیم، دوباره آقای سعیدی تماس گرفت و گفت کجایی؟ او چه مشکلی پیش آمده؟ به گریه افتاد و گفت تمام کرده! آن وقت بود که من تازه متوجه شدم قضیه فراتر از آن بوده که فکر می‌کردیم و حال بدی به من دست داد.»

همان وقت که کوردویین می‌گوید حال بدی به من دست داد، دوباره حالش بد می‌شود. بغض می‌کند و با سر رو به پایین با انگشتانش رو می‌ورد تا بتواند به خود مسلط شود. معاون پارک ملی گلستان فعل‌ها را جابه‌جا می‌گوید، میان زمان حال و گذشته؛ ابتدا از یاد می‌برد که همکاری‌ش دیگر نیست و آنچه درباره همکاری می‌گوید تمام شده است. بعد یادش می‌افتد و فعل را به گذشته می‌برد، در نهایت به گذشته عبعد که انگار زمان زیادی از آن گذشته است: «سوای از اینکه من و آقای مصدق همکاری هستیم، رفیق هستیم، روحیه بسیار خوبی داشت، همه او را دوست داشتند از جمله مردم محلی؛ باورم نمی‌شد کسی به او شلیک کند و شهید شود. آنهم در منطقه‌ای که احتمالش را می‌توانم بگویم. اما متأسفانه این اتفاق افتاد. در این حال خراب به‌سمت کوپلر به راه افتادم. در این اثنا، همکاران دیگر هم مطلع شدند و از اذراکل رسیدیم، به همان نقطه‌ای رفته که محل درگیری بود. وقتی رسیدیم محیطبان مصدق را دیدم که تمام کرده و به درجه رفیع شهادت رسیده بود.» در لحظه دیدن محیطبان مصدق تا زمانی که کوردویین بتواند خودش را جمع کند، نیم‌ساعتی طول می‌کشد. «تا این ساعت تمام شده بود. ناخوشتم. به خود آمدم، با همکاران مسیر را چک

اقلیم

تجهیزاتی نظیر بیهپاد و دوربین دید در شب نیاز داریم. شب‌ها که محیطبان و همیار ما که در کمین‌نشسته‌اند، نمی‌توانند چراغ روشن کنند یا چراغ‌قوه دست بگیرند. اگر دوربین دید در شب داشته باشیم، بهتر می‌توانیم برخورد کنیم.» اگر هم محیطبان باشد و هم امکانات، باز خلأ دیگری یابرجاست که به قانون به‌کارگیری سلاح برمی‌گردد. «قانون به‌کارگیری سلاح هم مشکلاتی دارد. محیطبانان باید مستندسازی را در شرایط سخت انجام دهند. اگر جای شهید مصدق را در فرد ضارب عوض کنیم، درصورت کشته شدن متخلف چه حمایتی از محیطبان می‌شد. ما نیاز به حمایت قضائی بیشتر داریم تا محیطبان ترسی برای حفاظت نداشته باشد.»

پرونده محیطبان باشقره که هفت سال قبل جان خود را در درگیری با شکارچیان از دست داد، همچنان با ابهاماتی رویبره است. هنوز معلوم نشده چه کسی به تاج‌محمد باشقره شلیک کرده است و در نتیجه هر دو منتهم آزادند. به‌نظر مظاهر کوردویین، همین موضوع در جامعه محلی بازخورد منفی دارد. «اگر برخورد جنی با متخلفان صورت نگیرد، هم روحیه محیطبانان ضعیف می‌شود و هم متخلفان با جسارت بیشتر عمل می‌کنند. در مورد شهید باشقره در ابتدا واکنش خوبی نشان داده و دستگیری انجام شد، ولی روند دادرسی بسیار طولانی بود و نتیجه‌ای که باید می‌گرفتیم، حاصل نشد. دو متهم به‌واسطه عدم ادله کافی تبرئه شدند و الان بیرون هستند.» واکنش اولیه خوبی که معاون پارک ملی گلستان از آن صحبت می‌کند، برخورد ضربتی مقامات انتظامی هفت سال قبل در پرونده تاج‌محمد باشقره است؛ آنها وارد خانه شکارچیان در روستا شدند و تعداد زیادی اسلحه غیرمجاز را ضبط و متخلفان را شناسایی کردند. درباره محیطبان مصدق این اتفاق نیفتاده و دو مظنون داریم که مشخص نیست متهم اصلی پرونده باشند. «در ماجرای شهید مصدق متخلفان پس از شنیدن دستور ایست اقدام به شلیک می‌کنند و بدون هیچ دلیلی باعث مرگ هم‌کار ما می‌شوند. نسبت به کا حافظ طبیعت اینقدر بی‌رحم است، نسبت به حیات‌وحش چگونه رفتار کرده و می‌کند.»

لک‌ جوانان نرسیده با تعامل از شکار منصرف نمی‌شوند
«بهمین پولادی، محیطبان پارک ملی گلستان، گفت بیایید برویم تا بلوط را نشانمان دهم. بلوط، مرال ماده در اسارت، قرار است همین روزها. محدوده‌ای امن در پارک راهسازی شود. همین‌طوره که سرالایی‌های آمدم می‌شود. شروع به صحبت از محیطبان مصدق کرد. سال‌ها قبل با یاسر مصدق در کوپلر هم‌خمت بود تا اینکه به ساختمان اداره پارک منتقل شد و مصدق ماند در کنار آقای مصدق، محیطبان دیگری هم غیرمجاز به‌سمتش شلیک کرد. بهمین که به کوپلر رسید، ساعتی می‌شد که یاسر از دست رفته بود. برادر همسر پولادی، همان همیاری است که در درگیری حاضر بود. «کلاسه بودم که برادرخانم زنگ زد و گفت درگیر شدیم، بیا. با من دهبار و شواری کوپلر آمده بودند. آدم‌های خیلی زیادی اینجا بودند. مهندس مصدق را هم دیدم. آگاهی گفته بود کسی به چیزی دست نزنند. ما او را سوار ماشین کردیم و لب جاده آوردیم و سوار آمبولانس کردیم. رفت که رفت.» پولادی از محیطبانان ترکمن پارک است. «من همراه مصدق در کوپلر خدمت کرده بودم. آدم بسیار خوب و بی‌حاشیه‌ای بود. با کسی کاری نداشت. مردمی بود. همه ناراحت هستند، چه فارس باشند و چه ترکمن؛ عده زیادی به مراسم آمدند.»

اگر پرونده محیطبان باشقره را محکم می‌گرفتند، این اتفاق نمی‌افتاد. این گفته پولادی است. «اگر زندان‌ها شل بگیریم، همین می‌شود. طرف از زندان آمده، دوباره شکار می‌رود. در کنار آن باید نیروی محیطبانی هم زیاد شود. گرچه با

آدمن همیارها تعداد حیات‌وحش زیاد و شکار کم شده، اما در درگیری همیار دستش به کجا بند است؟»
آیا تعامل با جامعه محلی نمی‌تواند راهگشا باشد؟ از نظر محیطبان پولادی تعامل گرچه خوب است، اما کفایت نمی‌کند. «تعامل گرچه ممکن است جوانان نرسیده را از شکار منصرف کند، اما آنها که شکارفروش هستند و... را از زین کار منصرف نمی‌کند. خاطرم است آن سال‌ها که من و محیطبان مصدق در کانکس خدمت می‌کردیم، یک روز کانکس ما را آتش زدند.» پولادی از جمله صحبت‌هایش را تمام می‌کند: «مصدق کوپلر را خیلی دوست داشت.»

لک‌ مسئولان درباره مناطق چیزی نمی‌دانند

«بچی مرادی» محیطبان پارک ملی گلستان، دو-سه جمله که می‌گوید، بغض گلویش را می‌گیرد و ساکت می‌شود. صورتش را جمع می‌کند تا اشک نتواند از چشم‌ها بیرون بریزد. تلاش مرادی بی‌فایده است، خودش هم این را می‌داند. او هم آن روز خوب به یاد دارد. «به ما خبر دادند حال مصدق بد است، لحظه‌ای بعد دوباره تماس گرفتند و کشته شده. من سه صبح رفته در بیمارستان و دیدمش.»
به‌گفته مرادی، کمبود نیرو در گلستان چالش جدی است. «ما کمبود نیرو داریم. ۹۲ هزار هکتار را با ۳۰ محیطبان حفاظت‌کنیم که ۱۵ نفر شیفت و ۱۵ نفر استراحت هستند. از این ۱۵ نفر هم چند نفر ممکن است بدلیل بیماری و ... یک روز نیایند. حتی با همین ۱۵ نفر قطور می‌شود حفاظت کرد؟ اینجا کوه و صخره و جنگل دارد که از ۲۰متری نمی‌توان کسی را دید. محیطبزیست نیرو می‌خواهد. می‌گویند سالی ۲۵۰ نیرو به محیطبانی اضافه می‌شود، اما هر چند سال یکبار نیرو می‌گیرند. در این ۲۰ساله که پارک ملی گلستان خدمت می‌کنم، به جای ورودی، مدام خروجی داشته‌ام!»

محیطبان مصدق از کردکوی که چند ساعت با پارک فاصله دارد، برای حفاظت می‌آمد و ناچار بود مدام در این مسیر رفت‌وآمد کند. «سازمان محیطبزیست باید بیشتر به مناطق برسد. می‌گویند مسائل را می‌دانیم، ولی نمی‌دانند؛ باید بیایند منطقه را ببینند. هیچ‌کس نمی‌خواهد بیاید پارک خدمت کند، ما نیرو کم داریم. اگر آن روز در کنار آقای مصدق، محیطبان دیگری هم بود، این اتفاق نمی‌افتاد. او در پاسگاه با یک همیار که بدون مزد و مواجب از منطقه حفاظت می‌کند و اجازه حمل سلاح ندارد، تنها بود.»

لک‌ چه ارزشی بالاتر از جان انسان

«خبر را که شنیدم، خیلی ناراحت شدم برای فرزندان یاسر، برای همسرش و برای سایر محیطبان‌های کشور؛ هرساله چنین خبرهایی می‌شنویم، دوره کوتاهی مژنی‌سیرایی می‌کنیم، در همایش‌ها و ... محیطبانان شهید یاد می‌کنیم و دوباره یادمان می‌رود. فهرست طولانی محیطبانانی که در درگیری با متخلفان کشته شده‌اند، متأسفانه به ما می‌گوید در آینده نیز اتفاقاتی مشابه رخ خواهد داد و جان‌های عزیز دیگری از دست خواهند رفت.» «پوریا سپهوند»، کارشناس حیات‌وحش، برای پژوهش و حفاظت سال‌ها در پارک ملی گلستان حضور داشته، چه پلنگ و چه غلغخوآران

... و «یاسر مصدق را از اواسط دهه ۹۰ می‌شناسم. مهمترین ویژگی‌اش خوشرویی، همراهی و مدارا بود. همیشه لب خندان‌ی داشت. کارهایش را به‌صورت روتین انجام می‌داد و سعی می‌کرد خودش را با کم‌واستی‌های سیستم محیطبانی سازگار کند، اما ذرات در وظیفه و مأموریتش کوتاهی نمی‌کرد و دریغ نداشت.» چه ارزشی بالاتر از جان انسان، که نباید به آسانی از دست برود. سپهوند این جمله را می‌گوید و سراغ دلایلی می‌رود که باعث می‌شود محیطبانان جانشان را در راه حفاظت از دست دهند. «عدم آگاهی، شرایط اقتصادی،

فقر و آموزش ناکافی، همه این‌ها دست‌به‌دست هم می‌دهند تا چنین فاجعه‌ای مدام تکرار شود.»

اسم پارک ملی گلستان که می‌آید همه از شرایط مساعد آن می‌گویند. این حفاظتگر در این سال‌های حضورش در پارک اتفاقاً وضعیت را بسیار متفاوت دیده است. «پارک ملی گلستان، علی‌رغم صحبت‌های بسیاری از مدیران و مسئولان این کشور که همواره به آن افتخار می‌کنند و از آن دم می‌زنند، به‌نظر من که متناقض مختلف کشور را دیده‌ام، یکی از محروم‌ترین نقاط است؛ چه از نظر نیروی انسانی، چه از نظر امکانات و تجهیزات. ما در برخی مناطق کشور می‌بینیم که در یک منطقه شکارممنوع، پاسگاه‌های محیطبانی دو برابر نیروی قانونی در هر شیفت دارند، یعنی دو محیطبان، اما در پارک ملی گلستان، با ۱۳ پاسگاه موجود، تنها ۳۰ محیطبان به‌طور رسمی مشغول کارند. این یعنی درواقع فقط یک نفر در هر پاسگاه فعال است، که خلاف قانون است.»

همیارها درهشت سال گذشته به جمع نیروهای محیطبانی اضافه شدند تا باری که روی دوش آنهاست، سبک شود. «اگر همیاران محیطبان با همت مدیر قبلی، آقای مهندس تیموری، به پارک اضافه نمی‌شدند، عملاً نیمی از پاسگاه‌های محیطبانی خالی می‌مانند. در این شرایط عملاً زیستگاه‌ها و حیات‌وحش آن منطقه تخریب می‌شدند و طبیعت به تاراج می‌رفت.»

روزی یاد چرخه شهادت محیطبانان متوقف شود، اما چطور؟ پاسخ سپهوند یک جمله نیست. «راهکارهای مختلفی باید هم‌زمان با تقویت نیروی انسانی به‌کار گرفته شود تا شاهد تکرار چنین فجایعی در آینده نباشیم. از آگاهی‌رسانی، آموزش مردم، جلب مشارکت عمومی، ایجاد حس تعلق نسبت به طبیعت، تا اقدامات کلانی که حاکمیت باید در برابر فقر اقتصادی، فقر اجتماعی و بی‌عدالتی ساختاری انجام دهد. به‌علاوه، نیازمند آموزش کافی و صحیح محیطبان‌ها هستیم. آنها همچنین باید مجهز به امکانات و تجهیزات به‌روز مانند دوربین دید در شب و چراغ‌قوه‌های مناسب باشند و آموزش‌های کافی برای مواجهه با چنین صحنه‌هایی را به بهترین نحو ببینند. در مراکز آموزشی می‌بینیم که محیطبان‌ها گاه پس از سه یا چهار سال از زمان متخادم، تازه به دوره آموزشی اعزام می‌شوند. این یعنی ریسک بزرگی که مسئولان انجام می‌دهند. یعنی فردی آموزش‌ندیده، در مواجهه با صحنه‌هایی که جانش در خطر است و با سلاح سروکار دارد، وارد عمل می‌شود و این می‌تواند منجر به چنین فجایعی شود.» اگر این راهکارها اجرایی نشود، از نظر سپهوند همین روند معیوب ادامه پیدا می‌کند. «زمانی که شرایط به این شکل آمده پیدا کند و مدیران ارشد و تصمیم‌گیران سازمان محیطبزیست اقدامی عاجل و بنیادین انجام ندهند، همچنان شاهد این اتفاقات و از دست رفتن محیطبان دیگری خواهیم بود.»

لک‌ کردکوی، شهر سوگوار

زن خودش را از جمع فشرده حسینیه که امکان نشست‌ن من در آن سخت بود، بیرون کشید. همینچوره که از پله‌ها پایین می‌رفت، می‌گفت برای شهید این فضا کوچک بود. در کردکوی جمع بزرگی ساعت دو تا چهار پنجشنبه، یازدهم، به مسجد نی‌اکرم و حسینیه آمده بودند، جمعیت پس از مراسم به‌سمت مزار شهدا سرازیر شد. زیر سایبان بزرگی که شهادی این شهر را در خود جای داده است، جای سوزن انداختن نبود، زن مویه می‌کرد «رخساره خانه‌ات را خراب کند، شکارچی!» آن‌خدا کارکنان محیطبزیست به احترام با لباس‌های یکدست ایستاده بودند، همسر محیطبان مصدق آرام به‌سمت مزار رفت، جمعیت پس کشید و لاتی را باز کرد، صدای زن‌ها اما قطع نشد، اشک حاضران هم!

نوبت دوم



شهرداری رفسنجان

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب سال ۱۴۰۴ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به جمع‌آوری نخاله‌های ساختمانی سطح شهر از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید؛ لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت به عمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (رساد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۸
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه ملگرو تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۰ (لزام به ذکر است شهرداری رفسنجان درد یا قبول تمام یا هر یک از پیشنهادات مختار است.)
مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکت
جهت کسب اطلاعات بیشتر بر امور قراردادهای شهرداری رفسنجان به شماره(۰۳۴-۲۴۴۵۸۸۰۱-۰۳۴-۰۳۴) تماس حاصل فرمایید

اداره ارتباطات و امور بین الملل شهرداری رفسنجان



و تصریح کرد: این دبیرخانه می‌تواند نقش مؤثری در توسعه پایدار و ارتقاء جایگاه شهر ارک در سطح ملی و بین‌المللی ایفا کند.

شهردار ارک تصریح کرد: هدف ما از ایجاد این دبیرخانه، تمرکز بر هویت پنهان شهر است؛ از مسئولیت‌پذیری اجتماعی مردم گرفته تا ارزش‌های معنوی و تاریخی که ارک را از دیگر شهرها متمایز می‌سازد و نقطه عطفی برای احیای هویت مغفول از شهر تاریخی و صنعتی در عرصه جهانی دانست. وی ادامه داد: دبیرخانه شهرهای آسیایی تنها محدود به مرزهای ارک نخواهد بود و با ایجاد پیوندهای فرهنگی و فکری با دیگر شهرهای آسیایی، تلاش خواهد شد تا چهره واقعی ارک به‌عنوان یک شهر فعال و مؤثر در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی شناخته شود.

در ادامه این مراسم محمد عسگری، رئیس شورای اسلامی شهر ارک نیز با اشاره به پتانسیل‌های این شهر گفت: شهر ارک در زمینه مبارزه با آلودگی هوا پرچم بلند کرده و متأسفانه در این حوزه مظلوم واقع شده است. آلودگی‌هایی که در این شهر تولید می‌شود، بویژه از

افتتاح دبیر خانه کمیته مشار کت‌های مردمی و مسؤلیت‌های اجتماعی

شهر های آسیایی در ار اک

مسئولیت‌های اجتماعی شهرهای آسیایی به ار اک اقدام پسندیدهای است و باید تلاش شود تجربه‌های موفق وارد این شهر شود.

انتخاب ارک به‌عنوان دبیر مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی شهرهای آسیایی، نشان‌دهنده تعهد ارک به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت مردم در توسعه شهر است

شهردار ارک نیز در این مراسم گفت: با انتخاب شهر ارک به‌عنوان دبیر مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی شهرهای آسیایی، این شهر علاوه بر شهرت صنعتی، در جنبه‌های مهم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. علیرضا محمودی بر اهمیت توجه به ایجاد معنوی، فرهنگی و اجتماعی ارک تأکید کرد و گفت: افتتاح دبیرخانه مشارکت‌های مردمی و مسئولیت اجتماعی نشان‌دهنده تعهد ارک به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت مردم در توسعه شهر است. وی ایجاد دبیرخانه را نقطه آغازی برای توسعه اجتماعی و فرهنگی بیشتر شهر دانست و اظهار کرد: دبیرخانه کمیته مشارکت‌های مردمی، علاوه بر تقویت حس تعلق شهری، می‌تواند زمینه‌ساز معرفی هر چه بیشتر ارک به‌عنوان شهری با میراث‌فرهنگی و تاریخی غنی باشد. این دبیرخانه می‌تواند بستری مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان و مشارکت‌های مالی و معنوی از نهادهای بین‌المللی فراهم کند. وی به اهمیت برنام‌بریزی برای رویدادهای فرهنگی و اجتماعی اشاره



«علی‌اکبر ولایتی» در نامه‌ای به پزشکشان خواستار مساعدت برای ساخت بنای یادبود دانشمند اهل شهری

«علی‌اکبر ولایتی» در نامه‌ای به پزشکشان خواستار مساعدت برای ساخت بنای یادبود دانشمند اهل شهری



«علی‌اکبر ولایتی» در نامه‌ای به پزشکشان خواستار مساعدت برای ساخت بنای یادبود دانشمند اهل شهری با هدف تقویت فرهنگ ایران شد

مدعیان بلا تکلیف آرامگاه «رازی»

از قرن چهارم هجری تا همین چند سال پیش مزار رازی یک راز تاریخی بود. در کتاب‌ها گمانه‌هایی درباره آن مطرح می‌شد، اما همه تنها حدس‌هایی بود که استناد چندانی به تاریخ نداشت. مطالعات پژوهشگران اما در اواخر دهه نود گمانه جدی‌تری را مطرح کرد مبنی‌بر اینکه با توجه به قرارگیری بیمارستان قدیم ری در محدوده روستای فیروزآباد و ثبت اسنادی درباره طبابت رازی در این بیمارستان و موارد دیگر، احتمال فراوانی وجود دارد که او را در نزدیکی امامزاده این روستا که گورستان قدیمی این منطقه بوده، به خاک سپرده باشند. همان روزها سخن از ساخت یک بنای آرامگاهی در فیروزآباد و تأسیس بنیادی به‌نام رازی مطرح شد. قرار بود برای طراحی این بنا فراخوانی ملی داده شود و بودجه خاصی برای آن در نظر گرفته شود. حالا چندسالی از آن وعده‌ها و حرف‌ها گذشته. زمین سه هکتاری که قرار بود محل ساخت یادمان باشد، مدعیانی پیدا کرده و شورای روستا را مجبور به محصور کردن محدوده زمین کرده است. دولت سیزدهم دستور مسکوت ماندن طرح ساخت آن را داد و تا به امروز هم این طرح مسکوت مانده است. محلی‌ها روی این طرح حساب باز کرده‌اند و برخی مسئولان محلی نیز پیگیر این طرح هستند، اما سال‌هاست که طرح همچنان معطل مانده است.



فرزانه قبادی |

روزنامه‌نگار |

«یکی از کشورهای همسایه «محمد بن زکریای رازی» را اهل آن کشور معرفی کرده و برای او یادمانی ساخته و بزرگداشت برگزار کرده و قرار است بزودی سریالی درباره زندگی او در این کشور ساخته شود.» اگر روزی چنین خبری در

رسانه‌ها منتشر شود، چه واکنشی خواهیم داشت جز حسرت خوردن و خشمگین شدن از صادرة این دانشمند توسط کشورهای دیگر؟ مفاخر ایرانی و دانشمندان و شاعران پرآوازه بارها توسط دیگران صادرة شده‌اند. آنها

سرمایه‌گذاری‌های هنگفت می‌کنند تا برای خود تاریخ و افتخار خلق کنند و بزرگان منطقه را از آن خود بدانند؛ از مولانای رومی تا ابن‌سینا و آلب ارسلان و در آخرین مورد، نوروز. با تاریخ‌سازها و سرمایه‌گذاری‌های کشورهای

دیگر و قلب تاریخ در حال تغییر ملیت هستند و ما همچنان مفاخرمان را ارج نمی‌گذاریم و کاری‌که درخورشان‌باشد، انجام نمی‌دهیم و اواخر دهه نود بود که پژوهش‌ها محل تقریبی مزار زکریای رازی دانشمند بزرگ ایرانی را با تکیه بر شواهد تاریخی و مستندات حدس زدند. همان روزها اقداماتی برای تشکیل بنیاد رازی و ساخت بنای یادمانی برای او در روستای فیروزآباد شهر ری (محل احتمالی مزار او) صورت گرفت. اما سال‌ها سالی‌هاست که این طرح به حال خود رها شده و اخیراً اخبار نگران‌کننده‌ای در مورد آن شنیده می‌شود. حال اگر روزی کسی در تریبون رسمی، رازی را هم دانشمندی با ملیتی دیگر معرفی کند، ایرانیان بسیاری برآشفته می‌شوند که چرا دانشمندان ما را مصادرة کردند، اما کسی به این اهمال چندین‌ساله در معرفی یک دانشمند بزرگ که جهان با احترام از او یاد می‌کند، فکر نمی‌کند.

لک‌بینگر اجرائی کردن طرح هستیم

«علیرضا صادقی»، بخشدار سابق فیروزآباد، در گفت‌وگو با «پیام‌ما» درباره پیگیری‌هایی‌که در سال‌های اخیر برای اجرای طرح یادمان رازی در این منطقه صورت گرفته است، می‌گوید: «اواخر دهه ۹۰ در دوره‌ای که بخشدار بودم، موضوع بزرگداشت زکریای رازی را به‌عنوان یکی از دانشمندان برجسته با شهرت بین‌المللی، پیگیری کردیم. از نظر علمی و تاریخی با احتمال بالا عنوان شد که ایشان در روستای فیروزآباد مدفون هستند. طرحی تهیه کردیم با عنوان یادمان زکریای رازی و زمینی در فیروزآباد برای این منظور در نظر گرفته‌شد. به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مراجعه کردیم و آقای ولایتی هم شخصاً وارد موضوع شد و به فرماندار وقت نامه نوشت و خواستار پیگیری موضوع شدند. همان سال قرار شد بنیاد زکریای رازی هم در فیروزآباد تشکیل شود، اما با تغییر دولت، به بخشدار جدید گفتند دیگر این موضوع را پیگیری نکنند و عملاً طرح مسکوت ماند.» در طول این سال‌ها مردم فیروزآباد برخلاف مسئولان اما این طرح را فراموش نکردند و مسکوت نگذاشتند، صادقی می‌گوید: «ما از طریق گروه‌ها و دوستان دیگر پیگیر موضوع هستیم تا این طرح محقق شود. اخیراً جلسه‌ای با آقای ولایتی داشتیم و مجدداً نامه‌نگاری‌هایی صورت گرفته است. ایشان بحث را دوباره به جریان انداختند و نامه‌ای به رئیس‌جمهور ارسال کردند تا این موضوع پیگیری شود.» به‌گفته صادقی که در زمان مسئولیتش بجد پیگیر اجرائی شدن این طرح بود، «تمام ابزار، لوازم و ساختارها آماده است؛ فقط همت مسئولان را می‌طلبد تا این

اقدام به سرانجام برسد.» اما اخباری در روزهای اخیر و هم‌زمان با حصارکشی اطراف زمینی که قرار بود بنای آرامگاه رازی در آن بنا شود، بین اهالی دهان به دهان می‌چرخد. هرچند هنوز سندی برای اثباتش وجود ندارد، اما فعالان محلی نگرانند که این خبر این است که قرار است سه هکتار زمینی که برای آرامگاه رازی اختصاص پیدا کرده بود، برای ساخت مجتمع مسکونی طلاب ورامین در نظر گرفته شود. صادقی در این زمینه می‌گوید: «این زمین متعلق به دهیاری است و کاربری آن فرهنگی-گردشگری است؛ زمین کاربری مسکونی ندارد. اما قطعه زمینی در کنار آن وجود دارد که متعلق به دادگاه ورامین است و ربطی به زمینی که دهیاری برای کاربری فرهنگی در اختیار دارد، ندارد.» او تأکید می‌کند: «از نظر قانونی، دهیاری نمی‌تواند زمینی را که برای مردم و کاربری فرهنگی یا ورزشی در نظر گرفته شده است، به ارگان‌ها، اشخاص یا نهادهای خاص واگذار کند. اینها شایعاتی هستند که مردم را نگران کرده، اما صحت ندارد.» او همچنین درباره محصور کردن زمین می‌گوید: «محصور کردن زمین فقط برای مشخص کردن حد و حدود آن بوده است تا بتوان مراحل بعدی طرح را راحت‌تر پیگیری کرد. گاهی افرادی پیدا می‌شوند که به زمین‌ها تعرض می‌کنند. دهیاری کار درستی انجام داده و با دیوارکشی، محدوده زمین را مشخص کرده است تا کسی به آن تعرض نکند.» او همچنین تأکید دارد اهالی فیروزآباد همچنان پیگیر هستند که طرح آرامگاه رازی اجرائی شود.

لک‌طرحی بلا تکلیف

یکی از اهالی قلعه‌نو فیروزآباد با ابراز نگرانی نسبت به تغییر کاربری زمینی که برای آرامگاه رازی اختصاص داده شده بود، به «پیام‌ما» می‌گوید: «ما سند مکتوب از این خبر نداریم اما دهان به دهان شنیده‌ایم که گفته‌اند سه هکتار برای آرامگاه رازی زیاد است و قرار بر این گذاشته‌اند که زمین را به‌عنوان یک منطقه مسکونی واگذار کنند به طلاب ورامین.» جهانی، رئیس شورای روستای فیروزآباد، اما توضیحات دیگری در این مورد می‌دهد. او با بیان اینکه هنوز هیچ اقدامی برای اجرای طرح صورت نگرفته است، می‌گوید: «زمین را محصور کردیم؛ چون عده‌ای معلوم‌الحال روی بخش‌هایی از زمین ادعا داشتند و قصد فروش آن به افراد غیر را داشتند.» او درباره طرح آرامگاه رازی می‌گوید: «فعلاً در مورد این طرح هیچ توفیقی حاصل نشده است. در دوره فرمانداری آقای توکلی و بخشداری آقای

نویت اول



برابر رای شماره ۲۸۹۹-۱۴۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۲۵۷۷

نویت اول



هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۸۲۹

نویت اول



هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول



هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول



برابر رای شماره ۲۸۹۹-۱۴۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۲۵۷۷

نویت اول



هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول



هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عنبرآباد

تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۴٫۰۲٫۱۳

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴٫۰۲٫۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۲۱۷۰۵

نویت اول

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرعنبرآباد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای فرهاد کریمی مسکونی فرزند رحمت لله بشماره شناسنامه ۶۰۶۰۷۰۱۴۱ صادره از در شش‌دانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۲۱مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع در عنبرآباد کوجه امام جمعه قدیم خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، داد

گزارش میدانی «پیام ما» از ردیابی مفقودان فاجعه بندر شهیدرجایی

زخم انفجار بر تن کارگران بلوچ

به گفته جامعه محلی، اکثر کارگرانی که در زمان حادثه در بندر شهیدرجایی مشغول بودند، مهاجر و بلوچ و برخی از آنها بی‌شناسنامه بودند



| ستاره جنتی |

| روزنامه‌نگار|

فاجعه سال‌ها پیش از انفجار بندر شهیدرجایی در ظهر روز ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ و در جایی دیگر اتفاق افتاده بود. وقتی یوسف ۱۸ساله در «سریاز» سیستان‌بلوچستان متولد شد؛ سرزمینی که قرار نبود آینده او را مانند بسیاری کودکان دیگر رقم بزند. همه محرومیت‌های آن منطقه دست‌به‌دست هم داد تا وقتی یوسف به ۱۵سالگی رسید، دور خانه و خانواده را خط بکشد و بیاید اینجا کنار دریا، بشود کارگر اسکله شهیدرجایی. هر دو ماه یا سه ماه خانواده را دیدن، حقوق کم، کار زیاد در گرمای

لباس‌های سسته و آویخته در توالی بندهایی طولانی نشان از فرارسیدن زمان استراحت دارد. استراحتی که کارگران بلوچ شاغل در اسکله شهید رجایی می‌گویند که کمتر نصبشان می‌شود حتی همین حالا که انفجار در بندر جان برخی را گرفت، برخی را مصدوم کرد و گروهی را مفقود. کار با حقوق کم و بدون بیمه در بندر ادامه دارد. کارگران ساکن در اقامتگاه‌های کارگری میانگین سن بین ۲۰ تا ۳۰ سال دارند و عموماً از مناطق محروم بلوچستان ایران آمده‌اند. «لقمه‌ای نان» تنها دلیلی است که برای ادامه کار و تحمل شرایط موجود انگیزه‌شان شده است. لقمه نانی که در شهر و دیار و آبادی خودشان یافت نخواهد شد. حالا جامعه محلی اطراف بندر شهیدرجایی می‌گویند نداشتن اوراق شناسایی و قراردادی کار، گروهی از این افراد را در هیچ سیامه‌ای از این کشور ثبت نکرده است و همین می‌شود که کسی دنبال آنان نیست.

لک‌میزبانی بلوچها

از حیاط کوچک خانهای که اهالی «خونسرخ» نشان می‌دهند و خودشان آن را خوابگاه می‌خوانند تا در ورودی اتاق راهی نیست. اما لباس‌های شسته‌شده و آویز از بند ریخت حدود ۳۰ مرد، راه رسیدن به اتاق‌ها را دورتر می‌کنند. مشخص است که مزاحم هستند. بعضی‌شان دارند روی چند گاز پیک‌نیک غذا درست می‌کنند و بعضی هم خوابیده‌اند. هیچ‌کدام که دوست دارند حرف بزنند، نه رویه‌روی دوربین من بنشینند و نه از چندچون زندگی‌شان

دوستان و همکارانش کم حرف می‌زند. اما همه این جمع کوچک مردان بندر می‌گویند که پدر هستند و باید خرج خانواده را بدهند؛ حتی اگر ماماها رنگ خانواده را نبینند.

لک‌باربر، پول بگیر

«محمد عبدالهی» عضو شورای روستا، من را همراهی می‌کند. کارگران کم‌کم به میان صحبت می‌آیند. یکی می‌گوید: «اکثر کارگران بندر، بلوچ هستند. ما کارگر روزمزد هستیم. مزد ثابتی هم نداریم. یعنی مثلاً اگر بار خرما خالی کنیم یک قیمت پول می‌گیریم، اگر لباس خالی کنیم یک قیمت دیگر. عدد ثابت یا حقوق ثابت نداریم.» اینجا را «جاسم» تعریف می‌کند. جاسم که چهارش می‌گوید دهه سوم زندگی‌اش را می‌گذراند و بنوعی سرگروه این گروه از کارگران به حساب می‌آید: «این خانه را به‌معنای خوابگاه اجاره کردم تا بچها شب را بمانند. همه نمی‌توانند خانه مستقلی بگیرند. چون خانه هم خرج دارد. کارگرانی که اینجا می‌بینی، همه اهل بلوچستان ایران هستند و شناسنامه و اوراق هویتی دارند. اما شرایط کار طوری است که باید به این شکل روزمزدی کار کنند.» خانمهای سرخون زیباست. در و پنجره‌های شکسته از روز انفجار حالا تعمیر شده است و روستا به همان زیبایی پیش از انفجار بنظر می‌رسد. اما خانه جاسم و کارگران ساده‌ترین خانه است. اتاق‌ها بدون هیچ پله‌ای مستقیم روی زمین بنا شده‌اند و سرویس بهداشتی یک‌سوی حیاط قرار دارد. حوض کوچکی هم کنار سرویس بهداشتی ساخته شده است که بنظر می‌رسد محل شست‌وشوی ظرف‌ها و لباس‌هاست. کف همه اتاق‌ها کفیوش ندارد و ریختخواب بیشترین حجم از وسایل خانه را شامل می‌شود. خانمهای کارگری دیگر در سایر محله‌های روستا (روستا سه محله دارد) هم همین شرایط را دارند؛ با یک تفاوت. بنظر می‌رسد افرادی در آن خانه‌ها ساکن هستند که شناسنامه ندارند؛ بلوچ‌اند و اهل ایران. معضلی بی‌شناسنامه‌ای در بلوچستان گریبان آنان را تا کرانه دریای جنوب گرفته است. اهالی می‌گویند گمشدگان از میان این گروه از کارگران هستند و پیمانکاران بدلیل استفاده غیرقانونی از آنان جرئت ندارند دسترسی از آنان تنظیم کنند و به مقامات بدهند

چیزی بازگو کنند. برای صرف چای اما دعوت‌م می‌کنند. فرشید ۲۰ سال دارد و ۴ سال است در بندر مشغول به کار است. فرشید کمی دوتر از منقله‌ای که منفرج شده، مشغول به کار بود که موج انفجار او را پرت و ضربه‌ای به سرش او را بیپوش می‌کند.

ریاضی هم از اهالی بلوچستان ایران است. او هم حدود ۹ سال است که از چابهار به اینجا آمده و مشغول است. زخم‌های انفجار، هنوز روی صورت ریاض مانده است. او هم مانند

محدوده بندر است. کمی جلوتر معبرمانندی است که صبح به صبح این کارگران از آنجا وارد می‌شوند و عصرهم از همانجا خارج می‌شوند.» گفته‌های فرشید را «محمد»، یکی دیگر از اهالی خون‌سرخ، تأیید می‌کند. محمد می‌گوید: «ما صبح‌ها دور میدان کارگران بلوچ را می‌بینیم که در گروهی ۰ یا شاید صدتایی ایستاده‌اند و بعد ماشین می‌آید دنبال آنها، آنها را از مسیری غیر از در ورودی می‌برد داخل. این افراد نامشان هیچ کجا نیست، چون حتی سند هویتی ندارند. پیمانکاران هم اگر بروند گزارش بدهند، برای خودشان بد می‌شود. کسی را ندارند. بعید می‌دانم خانواده‌هایشان هم بدانند چه خبر شده است یا اگر بدانند بلد باشند که باید چه کنند. همه‌شان زن و بچه‌دار هستند. الان کسی هست که چشم‌پیره‌ها اینان باشند.»

محمد برای نشان دادن خسارت انفجار در خانه‌اش من را به خانه دعوت می‌کنم. خانه‌ای با سنگ‌های سفید و زیبا که همسر و فرزندان‌ش بهمراه گروهی از دوستان جمع هستند و وقتی من وارد می‌شوم، متوجه می‌شوم دارند در مورد آن روز شوم صحبت می‌کنند. یکی می‌گوید: «تمام خانم‌های ما خسارت دید. اما خسارت خانم‌های ما با پول حل می‌شود، شما باید به داد بلوچ‌ها برسید. بلوچ‌ها کسی را ندارند. اینجا همه از روی ناچاری کار می‌کنند. کاری که اینجا در بندر انجام می‌دهند را هیچ‌کسی نمی‌تواند انجام دهد. اصلاً کار اهل بندر نیست. الان که هنوز هوا گرم نشده است. تیر و مرداد بیابید اینجا. نمی‌توانید نفس بکشید. ما این بندگان خدا در همان گرمای هوا کار می‌کنند. هر باری که خطری داشته باشد، سنگین باشد، جابه‌جایی‌اش سخت باشد، هر کاری که عرق ریختن داشته باشد در آن آفتاب را اینجا انجام می‌دهند، به آنها فکر کنید.»

لک‌ فقط خدا می‌داند

محمد می‌گوید: «خدا می‌داند چند نفر این کارگران در آن سوله‌ها یا کانتینرها بودند. یکی از پیمانکاران به ما می‌گفت ۲۰ نفر از کارگران نیستند، اما جرئت ندارم بگویم. جرئت ندارد چون باید دوباره بتواند در بندر کار کند. من فکر می‌کنم در حجم آوار مانده باید دنبال این بی‌شناسنامه‌ها بگردند. نه کس دیگر. شما هم اگر می‌خواهی چیزی بنویسی، از اینجا بنویس.» همین دور روز قبل بود که «اسماعیل حاجی‌زاده» دبیر اجرایی خانه کارگر استان هرمزگان در ارتباط با این کارگران گفته بود: «هنوز تعداد زیادی از ۷۰ فوتی حادثه شناسایی نشده‌اند؛ مشخص نیست واقعا کارگران روزمزد بلوچ و سیستانی که فوت شده‌اند، چند نفر هستند. دیروز برای پیگیری این موضوع نشستیم در اداره کار برگزار شد و مسئله را دنبال کردیم. تعدادی از این کارگران ممکن است

شناسنامه نداشته باشند، اما موضوع این است که آنهایی که شناسنامه داشته‌اند، موقع حادثه همراه‌شان نبوده. ضمن اینکه هویت کارگران روزمزد ثبت نمی‌شود و کارفرمای ثابتی ندارند. کار این کارگران بارگیری و تخلیه بوده و لیستشان جایی نیست؛ تعدادی از مفقودین از اینجا هستند.» حاجی‌زاده در گفت‌وگویی با ایلنا از زندگی این کارگران گفته بود: «برخی از اینجا شب‌ها توی خیابان می‌خوابند؛ برخی هم شب‌ها در جایی که اخیراً به نام «ایست‌کار» برای کارگران فصلی درست شده، چند ساعتی استراحت می‌کنند. بعضی از اینجا چندین ماه برای کار در بندرعباس می‌مانند و خانواده‌هایشان خبر ندارند که اینجا دقیقاً کجا کار می‌کنند. آماری از کارگران مفقود در دست نیست. ظاهراً کارگران روزمزد بسیاری جان باخته یا کم شده‌اند؛ برای مثال، سه کارگر محلی متعلق به یکی از روستاهای بندرعباس، جزو لیست مفقودان هستند.»

لک‌یک روایت رسمی

اما روایت رسمی مسیری دیگر را دنبال می‌کند. مسئولان احتمال مفقودان را تأیید می‌کنند و اینکه ممکن است کارگرانی بدون اوراق هویتی در محدوده متأثر از انفجار به‌ویژه در کانون این فاجعه باشند، اما هویت آنان را از میان بلوچ‌های ایرانی نمی‌دانند بلکه آنان را به اتباع افغانستانی نسبت می‌دهند. بااین‌حال، نه جامعه محلی از افغانستانی‌ها صحبت کردند و نه کسی در میان کارگرانی که با آنان صحبت کردم، بنظر غیرایرانی می‌رسید. روایت نظر چه باشد، اما همه بر یک موضوع اتفاق نظر دارند: هنوز هستند کسانی که پیکرشان پیدا نشده است و احتمال می‌رود بدلیل شدت انفجار و آتشی‌سوزی هیچ‌وقت هم پیدا نشود. گرچه ۱۱ اردیبهشت وقتی در حال گفت‌وگو با اهالی خون‌سرخ هستیم، خبر می‌رسد پیکری دیگر پیدا شده است و باید تأیید هویت شود. خون‌سرخ اقتدر نزدیک بندر شهیدرجایی است که نلفظ موج انفجار بلکه خبرها هم زودتر از هر جای دیگری به آنجا می‌رسد. «احمد میدری»، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، نیز اعلام کرده است گزارشی را برای دولت آماده خواهد کرد، او تأیید کرده است که افرادی بدون بیمه در این منطقه کار می‌کردند و فوت شده‌اند و حالا باید در مورد نحوه پرداخت غرامت به آنان را بررسی کرد. داغ، داغ است. معلوم نیست ابعاد این درد برای هر خانواده فقط معنا می‌سابق برای کارگرانی که از راه دور و خط برای لقمه‌ای نان، به بندر آمدند و صدمه دیده یا ندیده، دوستانشان را از دست دادند. اما ابعاد درد هرچه باشد، با شروع دوباره کار در همان شرایط سابق معنا می‌شود. تراژدی‌ای که در تمام سال‌های عمر آنان رقم خورده و حالا فقط خودش را به سایرین نشان داده است.

نوبت اول



هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي

آگهي موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تکليف وضعيت ثبتي و اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي برابر آرا صادره هيأت موضوع قانون تعيين تکليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملك فهرج تصرفات مالكانه بلامعارض متقاضيان بشرح ذيل محرز گردیده است

ردیف ۱- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۲۶۷۶/۸۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۶۹۴ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای دشت آباد مورد تقاضای خانم رسمي خانم مهين شهمرادزاده.

ردیف ۲- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۷۶۱۴/۱۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۶۹۴ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای دشت آباد مورد تقاضای آقای محمد جلالی زمانی فرزند علی خريداري از مالك رسمي خانم مهين شهمرادزاده.

ردیف ۳- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۲۸۳۰/۲۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۷۰۹ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای فتح آباد مورد تقاضای خانم کبري رکن آبادی فرزند حسين خريداري از مالك رسمي آقای عليرضا سالاربهزادی.

ردیف ۴- در شش‌دانگ يکباغ خانه به

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملك فهرج

مساحت ۲۷۳/۱۶ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۷۳۳ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج شهرفهرج مورد تقاضای خانم مهرانگيز منعمي فرزند حجي خريداري از مالك رسمي آقای رضاقلي ميراوليايي.

ردیف ۵- در شش‌دانگ يك قطعه باغ مشتمل بر خانه به مساحت ۵۵۷۴/۷۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۷۳۶ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای حسين آباد علم خان مورد تقاضای خانم مهرانگيز ابراهيم آبادی فرزند رضا خريداري از مالك رسمي آقای رضا ابراهيم آبادی.

ردیف ۶- در شش‌دانگ يکباغ خانه به مساحت ۷۸۸/۵۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۷۸۷ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای ماهيدشت مورد تقاضای آقای ابراهيم منعمي فرزند ماشاله خريداري از مالك رسمي آقای محمد منعمي.

ردیف ۷- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۴۶۲۴/۲۱ مترمربع در قسمتي از پلاک ۴۸۵۹ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای حسين آباد سرچنگل مورد تقاضای آقای صادق اسماعيلي مقدم فرزند علي خريداري از مالك رسمي آقای يداله صابري نارتيچي.

ردیف ۸- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۳۳۵۰/۹۱ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۸۷۰ اصلي مفروز و مجزی شده از پلاک ۲ فرعی از ۴۸۷۰ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای قادر آباد مورد تقاضای

آقای عبدالرضا بدرآبادي فرزند يداله خريداري از مالك رسمي آقای ابراهيم عزيزی نژاد .

ردیف ۹- در شش‌دانگ يك قطعه زمين مزروعی به مساحت ۳۰۷۹/۴۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۸۷۰ اصلي مفروز و مجزی شده از پلاک ۲ فرعی از ۴۸۷۰ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای قادر آباد مورد تقاضای آقای عبدالرضا بدرآبادي فرزند يداله خريداري از مالك رسمي آقای ابراهيم عزيزی نژاد .

ردیف ۱۰- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۱۵۳۶/۵۸ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای آقای رضا شهولي بر فرزند محمد خريداري از مالك رسمي خانم فروغ السادات سجادی

ردیف ۱۱- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۷۰۷۲/۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای خانم مهري جلالي زماني فرزند جواد خريداري از مالك رسمي آقای تقی سجادی بمی.

ردیف ۱۲- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۴۶۲۸/۴۵مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای خانم مهري جلالي زماني فرزند جواد خريداري از مالك رسمي آقای تقی سجادی بمی.

ردیف ۱۳- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۳۸۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای آقای حسين سجادی بمی فرزند احمد خريداري از مالك رسمي آقای حسين سجادی بمی.

ردیف ۱۸- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۵۴۹۳ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای آقای حسين سجادی بمی فرزند احمد خريداري از مالك رسمي آقای حسين سجادی بمی.

ردیف ۱۹- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۸۲۲۹۴/۵۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای آقای حسين سجادی بمی فرزند احمد خريداري از مالك رسمي آقای حسين سجادی بمی.

ردیف ۲۰- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۷۱۹۲۸/۳۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای آقای حسين سجادی بمی فرزند احمد خريداري از مالك رسمي آقای حسين سجادی بمی.

ردیف ۲۱- در شش‌دانگ يك قطعه باغ مشتمل برخانه به مساحت ۷۶۶۱/۵۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای آقای حسين سجادی بمی فرزند احمد خريداري از مالك رسمي آقای حسين سجادی بمی.

ردیف ۲۲- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۱۸۰۸۱/۴۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای خانم ثريا خيرخواه کرمانی فرزند محمد خريداري از مالك رسمي خانم ثريا خيرخواه کرمانی.

ردیف ۲۳- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۳۰۵۸۹/۵۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۰۴۹ اصلي واقع در بخش ۳۲

کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای علی آباد سجادی مورد تقاضای خانم ثريا خيرخواه کرمانی فرزند محمد خريداري از مالك رسمي خانم ثريا خيرخواه کرمانی.

ردیف ۲۴- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۱۸۳۳/۴۳ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۳۸۳ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای رضا آبادطافيه مورد تقاضای خانم مهرانگيز ابراهيم آبادی فرزند رضا خريداري از مالك رسمي خانم مهرانگيز ابراهيم آبادی.

ردیف ۲۵- در شش‌دانگ يك قطعه باغ به مساحت ۲۰۰۸/۳۳ مترمربع در قسمتی از پلاک ۵۳۸۳ -اصلي واقع در بخش ۳۲ کرمان حوزه ثبت ملك فهرج روستای رضا آباد طافيه مورد تقاضای خانم مهرانگيز ابراهيم آبادی فرزند رضا خريداري از مالك رسمي خانم مهرانگيز ابراهيم آبادی.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضي اعتراضی داشته باشند مي توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد، ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضايي تقديم نمايند.بدیهي است در صورت انقضاي مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸
مظفرامنادادی
رئيس ثبت اسناد و املاک شهرستان فهرج
شناسه آگهي ۱۹۲۳۳۴۴۱



روزنامه سیاسی - اجتماعی صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیژی سرمدیر: فاطمه علی‌اصغر دبیر تحریریه: فریبا نباتی دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان ویدئو ژورنالیسم: سامان موحدی‌راد	مدیر هنری: تینا صمدیان دبیر عکس: یاسر خدیژی دبیر محیط‌زیست و منابع طبیعی: فاطمه پایا خانی دبیر انرژی، کشاورزی و جامعه محلی: ستاره جنتی دبیر میراث فرهنگی: فرزانه قیادی صفحه‌آفر: صدف سرداری	صفحه‌آرایی: علی اکبرزاده، آتنا شریف‌زاده خبرنگاران: فرود فکری، حمیدرضا میرزاده، مرضیه قاضی‌زاده، مریم محمودخواه، کبری حسین‌زاده، مرجان حاج رحیمی، سمیه ایمانیان، نادره والئی‌زاده، فراد احمدی، کوثر نمک‌شناس، مریم کاظمی‌افرح	ابوطالبی، ریحانه حیدری، پریسا ساسانی، کوروش دیباج، مجتبی بیگری بازاریابی و تبلیغات: محمد زرزاداری، ندا صفاریان، فاطمه آقامالی، الهام سرگزی، شیوا کریمی	آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ها: www.payamema.ir/akhlagh	۰۹۰۵۲۸۱۵۵۹۹ ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰	پرگزاری رویداد: داخلی ۳ مدیرمسئول: داخلی ۴	تحریریه: داخلی ۱ استان‌ها: داخلی ۲	تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰ شماره نمابر: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵
ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com / ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com		www.payamema.ir		۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴	@payamema	۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰	۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵	

عکاس: حسین شیروانی - ایرنا

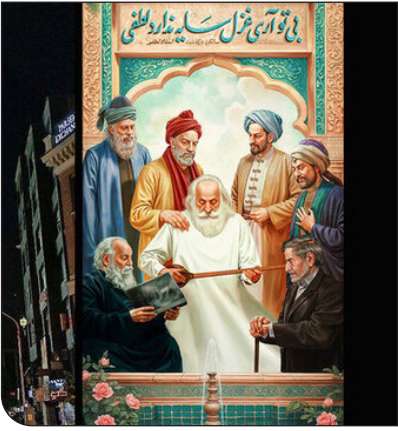


«حمید شریعتی»، «رفوگر» ۵۴ساله، سال‌هاست که با هنر خود در بازار سنتی اراک، «سرای نوذری‌ها»، به ترمیم فرش‌های آسیب‌دیده مشغول است. این هنر را از پدرش آموخت و به همسرش «فاطمه رضایی» نیز یاد داد تا دوشادوش هم در مغازه کوچکشان کار کنند. «رفوگری» اگرچه هنری ارزشمند است، اما به همان میزان سختی‌های زیادی دارد. نشستن‌های طولانی و کار ظریف با نخ و سوزن، آسیب جدی به پای «حمید» زده است.

عکس نوشت

چهره

تصویر «محمدرضا لطفی»
در میدان جهاد



به مناسبت سالگرد درگذشت «محمدرضا لطفی»، همزمان با روز معلم (۱۲ اردیبهشت‌ماه) جدیدترین دیوارنگاره میدان جهاد به تصویربرداری از این آهنگساز و نوازنده فقید تار، سه‌تار و کمانچه اختصاص پیدا کرد.
در این دیوارنگاره لطفی با لباس سفید معروفش که اغلب به تن داشت، در حال نواختن است و شاعرانی چون حافظ، سعدی، هوشنگ ابتهاج و شهریار او را دوره کرده‌اند. در توضیح این دیوارنگاره آمده است: «بی تو آری غزل سایه ندارد لطفی ...» / ایسنا

نشست

شبی برای «الزا مورانته»



هشتصد و سی و چهارمین شب از شب‌های بخارا به بررسی زندگی و آثار نویسنده، پژوهشگر و مترجم ایتالیایی نیمه دوم سده بیستم، «الزا مورانته» اختصاص یافته است. این برنامه روز یکشنبه، چهاردهم اردیبهشت، از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در فرودسوی خانه اندیشمندان برگزار می‌شود.
در این مراسم آنتونیا شرکا، فاطمه عسگری، منوچهر افسری (مترجم رمان «تاریخ» اثر الزا مورانته (از زبان ایتالیایی)، حمید نامجو و علی دهباشی سخنرانی می‌کنند. در شب «الزا مورانته» بخشی از یک فیلم مستند درباره زندگی او به نمایش درمی‌آید.

گزارش روز

وداع با «علی یخشوی»، از بنیانگذاران رشته محیط‌زیست در ایران

زیستن برای زمین



به‌شمار می‌رود. چندین دهه از عمر خود را وقف ترویج فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست کرد و در این راه، تأثیری ماندگار از خود به‌جا گذاشته است. این استاد بازنشسته دانشگاه تهران، افتخارات علمی بسیاری در کارنامه دارد؛ انتشار چندین جلد کتاب به زبان‌های مختلف در حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی، دریافت جایزه ملی محیط‌زیست در سال ۱۳۸۱، دریافت تندیس طلایی تحقیقات محیط‌زیستی ایران در سال ۱۳۸۳ و انتخاب به‌عنوان یکی از ۳۰ محقق برتر محیط زیست ایران در سال ۲۰۰۹ فقط بخشی از دستاوردهای او هستند.

یخشوی در نهم اردیبهشت ۱۳۱۸ در دهستان یخشوی در شهرستان بهشهر مازندران به دنیا آمد. دیپلم خود را در خرداد ۱۳۳۷ از دبیرستان بهشهر دریافت کرد و در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ میلادی) برای تحصیلات عالی به آلمان اعزام شد. در فروردین ۱۳۴۴ (۱۹۶۵ میلادی) مدرک مهندسی جنگل از دانشکده جنگلداری دانشگاه گوتینگن آلمان را دریافت کرد.

پس از فارغ‌التحصیلی، با استفاده از بورس فائو، دوره دکتری خود را در رشته سیاست جنگلداری در دانشگاه گوتینگن گذراند؛ دانشگاهی که ۴۹ استادش جایزه نوبل برده بودند. در آذر ۱۳۴۷ از رساله خود با عنوان «بررسی مسائل سیاست جنگلداری ایران» دفاع کرد. او سپس به ایران بازگشت و از دی ۱۳۴۷ به‌عنوان استادیار در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران مشغول به کار شد. یخشوی به‌واسطه تخصصی که در تحصیلات عالی خود در دانشگاه گوتینگن آلمان کسب کرد، کتاب‌ها و مقالات متعددی را در زمینه سیاست منابع طبیعی و مسائل اجتماعی و اقتصادی با تأکید بر نقش مسائل اجتماعی و اقتصادی در مدیریت پایدار منابع طبیعی و نیز پارک‌های طبیعی به رشته تحریر درآورد.

در طول دهه‌ها فعالیت، به‌عنوان فردی که سال‌ها در دانشگاه‌های معتبر مازندران و تهران به آموزش مباحث محیط‌زیست مشغول بود، نسلی از دانش‌پژوهان را پرورش داده است که امروز هر یک به‌عنوان فعالان تأثیرگذار در عرصه حفاظت از طبیعت ایران شناخته می‌شوند. او زندگی خود را با صمیمیت و تعهد در دل روستای یخشوی سپری کرد و در مسیر آموزش ساکنان محلی برای میبانت از منابع طبیعی و جانداران منطقه گام برداشت. او از پایه‌گذاران چندین نهاد مردمی مرتبط با محیط‌زیست در مناطق روستایی

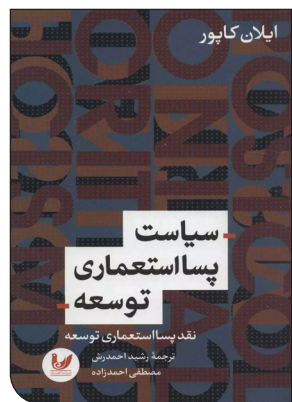


| صدف سرداری |
روزنامه‌نگار

«من در تمام دوران پنجاه سال خدمات دانشگاهی و پژوهشی، هرگز فکر نکردم که وطن برای من چه کرده است، بلکه همیشه از خود پرسیدم که من برای وطن چه کرده‌ام». با فوق دکتری سیاست و مدیریت منابع طبیعی از دانشگاه گوتینگن آلمان به زادگاهش رفت تا اعتماد مردم را جلب کند و بتواند برای محیط‌زیست ایران قدمی بردارد. به‌عنوان یک استاد دانشگاه نمی‌خواست فقط در دانشگاه تدریس کند؛ طبیعت و جنگل‌های ایران محل تدریس اصلی او بود؛ زیرا مشارکت مردم برایش اولویت داشت. «علی یخشوی»، پدر دانش محیط‌زیست ایران، روز یازدهم اردیبهشت از دنیا رفت و محیط‌زیست کشور یکی دیگر از دلسوزان خود را از دست داد.

در اوایل دهه ۱۳۵۰ تلاش بسیاری برای ایجاد دو رشته دانشگاهی با عنوان‌های مهندسی «حیات‌وحش» و «محیط‌زیست و بهسازی محیط‌زیست» در مقطع لیسانس در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران داشت. این رشته‌ها با پیگیری در سال ۱۳۵۳ در شورای دانشگاه تصویب و در نهایت بنا نهاده شد که البته این دو رشته بعدها به رشته مهندسی محیط‌زیست تبدیل شد. این اقدام او برای پایه‌گذاری چنین رشته‌ای، یخشوی را به پدر دانش محیط‌زیست ایران تبدیل کرد.

قفسه



سیاست
پسااستعماری
توسعه

کتاب «سیاست پسااستعماری توسعه» نوشته «ایلان کاپور» با ترجمه «رشید احدرش» و «مصطفی احمدزاده» از سوی انتشارات «اندیشه احسان» به چاپ رسیده است.
ایلان کاپور استاد مطالعات محیط انتقادی در دانشکده مطالعات محیط زیست، دانشگاه یورک، تورنتو، انتاریو، کانادا است. او یک محقق تأثیرگذار پسااستعمار است، یکی از اولین کسانی است که هم روانکاوی و هم تجزیه و تحلیل بعد از استعمار را به حوزه مطالعات توسعه آورده است. او نویسنده دو کتاب و مقالات بیشمار در مورد سیاست پسااستعمار، روانکاوی، توسعه مشارکتی و انسان‌دوستانه مشهور است.
کتاب «سیاست پسااستعماری توسعه» مجموعه‌ای از مقالات است که در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ نگاشته شده است. این اثر یکی از اولین آثاری است که به تحلیل مسائل توسعه از منظر پسااستعماری پرداخته و تلاش دارد تا از این دیدگاه به سؤالاتی مهم پاسخ دهد؛ از جمله چگونه می‌توانیم از رویکرد پسااستعماری برای درک بهتر ارزش‌ها و سیاست‌های فرهنگی غالب که

نمایش فیلم‌هایی درباره پابلو پیکاسو

هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه «پیکاسو در تهران»، مجموعه‌ای از مستندهای برجسته درباره زندگی و آثار پابلو پیکاسو از روز یکشنبه، ۱۴ اردیبهشت‌ماه، ساعت ۱۶ در سالن سینماک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید. به‌گزارش روابط‌عمومی موزه هنرهای معاصر تهران، این برنامه با نمایش فیلم «گرنیکا» ساخته کلود سرا (محمول ۲۰۱۶ اسپانیا) به‌مدت صد دقیقه در روز یکشنبه، ۱۴ اردیبهشت‌ماه، ساعت ۱۶ در سالن سینماک موزه هنرهای معاصر تهران آغاز می‌شود.
فیلم «گرنیکا» درباره یک خبرنگار آمریکایی است که برای گزارش از جنگ داخلی اسپانیا به این کشور می‌رود و عاشق یکی از کارمندان دولت می‌شود. این فیلم درحقیقت داستان خلق اثر معروف «پابلو پیکاسو»، یعنی گرنیکا، را بازگو می‌کند. از بازیگرانی که در این فیلم درام و تاریخی به ایفای نقش پرداخته‌اند، می‌توان جیمز داری، ماریا والورده، جک دنهورت، اینگرید گارسیا یوسون و الکس گارسیا را نام برد.

زمان از سوی مدیران و نهادهای رسمی چندان جدی گرفته نشد.
در سال ۱۳۷۹، در حاشیه نشستی علمی در آلمان، یکی از استادان درباره سرنوشت آن پروژه پیش از انقلاب پرسید. یخشوی پاسخ داد که با ترک ایران، اجرای طرح نیز متوقف شده است. باین‌حال، با استقبال یکی از همکاران دانشگاهی در اروپا، تصمیم گرفت اجرای دوباره آن را در ایران پیگیری کند. در بازگشت، موفق شد حمایت برخی نهادها را در پایتخت جلب کند، اما در زادگاهش، مازندران، با مقاومت‌های شدیدی مواجه شد. مخالفان طرح، که از واگذاری جنگل‌ها به بخش خصوصی حمایت می‌کردند، در برابر هرگونه تحول محیط‌زیستی ایستادگی کردند.
باوجوداین، یخشوی کار خود را در روستای یخشوی آغاز کرد. اگرچه فشارها موجب شد از اجرای پروژه‌های مشترک با برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) صرف‌نظر کند، اما در نهایت با اصرار خود سازمان، کار را ادامه داد. او طرح جامعی بر پایه دستورکار ۲۱ سازمان ملل پیاده کرد که شامل حفاظت از جنگل‌ها، احیای منابع طبیعی، آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی توسعه پایدار در حوزه‌های ماندگار کشاورزی، دامداری و جنگلداری ترکیبی (آگروفراستری) بود. محور اصلی طرح، توانمندسازی جامعه محلی با مشارکت زنان، جوانان و گروه‌های مختلف روستایی بود. کار فرهنگی گسترده‌ای انجام شد؛ یک سال به‌گفت‌وگو، آموزش و اعتمادسازی با مردم گذشت و در نتیجه، مشارکت اهالی شکل گرفت.
در ادامه، مدیریت و حفاظت از ۳۲۰۰ هکتار جنگل در منطقه بهشهر، به مردم روستا واگذار شد. در طی پنج سال، این منطقه بدون قطع حتی یک درخت حفظ شد و هم‌زمان ۶۰ هکتار جنگل‌کاری انجام شد. موفقیت پروژه آنچنان چشمگیر بود که روستاییانی که به شهر مهاجرت کرده بودند، همراه با خانواده‌هایشان به یخشوی بازگشتند و در پروژه مشارکت کردند. دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی طرح، آن را در سطح استان مازندران به یکی از برترین پروژه‌ها بدل کرد و در میان ۸۰ پروژه سازمان ملل در ایران، در جایگاه سه طرح نخست قرار گرفت. همچنین، نتایج این تجربه موفق، در قالب ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و مقالات علمی منتشر شد و مورد تأیید محافل دانشگاهی و متخصصان قرار گرفت. یخشوی امیدوار بود نسل جوان‌تر هم به اصل مشارکت مردم معتقد باشند.

«شینا انصاری»، معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، با انتشار پیامی درگذشت یخشوی را تسلیت گفته است. «عباسعلی نوبخت»، رئیس پیشین سازمان منابع طبیعی کشور، هم در پی درگذشت پدر دانش محیط‌زیست ایران در پیامی نوشته است: «او آنقدر عاشق طبیعت ایران عزیز بود که در اوج بیماری و در مراحل نهایی نفس کشیدنش نگران پوشش گیاهی زادگاهش، امامزاده دهستان یخشوی بهشهر بود. نگارن طبیعت وطن بود و همیشه از «ایران» می‌گفت.»
در مستند پرتوی‌ها که از یخشوی ساخته شده است، می‌گفت فقط یک آرزو دارد: «من برای خودم آرزویی ندارم. من از نظر معنوی بسیار ثروتمندم. ولی دلم می‌خواهد بنیام جوانی را که به‌علت فقر مادی نتواند تحصیل کند ... آرزو دارم حداقل بنیام در مسیری حرکت می‌کند که چنین وضعیتی را نداشته باشیم. حیف است برای ایران.»

مشارکت مردمی: کلید حفاظت از طبیعت

یخشوی اسفندماه سال ۱۳۹۹ برای یک عمر تلاش در عرصه محیط‌زیست، شخصیت برگزیده جایزه مهرگان علم شد. او درباره این جایزه و حفاظت از محیط‌زیست در کنار مردم گفته بود: «اینکه مهندس، دکتر یا پروفیسور هستیم، ما را مغرور نکند و از بالا به پایین نگاه نکنیم. روستاییان هم هزاران سال تجربه سینه‌به‌سینه را در خود دارند و باید برای همکاری آنها را در سطح برابر خود ببینیم.»
در سال ۱۳۴۷، به‌عنوان عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران آغاز به‌کار کرد و تنها یک سال بعد، نخستین طرح پژوهشی خود را در مازندران کلید زد. این پروژه با هدف بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی روستاییان و تأثیر آن بر منابع طبیعی و محیط‌زیست طراحی شده بود. او به این نتیجه رسید که بدون مشارکت واقعی مردم و مقابله با فقر فرهنگی و زیست‌محیطی، حفاظت از طبیعت به نتیجه نمی‌رسد. همین دیدگاه، تبدیل به محور اصلی فعالیت‌های علمی و میدانی او در دهه‌های بعد شد، هرچند در آن